

Magazine

FARSH Magazine No.45
Summer 2015

Exhibitions

Iran Carpets Exhibitions

(پیشینه قالیبافی از دوره تیموریان تا عهد قاجار 2)

در اواخر قرن هفتم هلاکوخان مغول که در عین بیرحمی و خونریزیهای فراوان حامی عالماتی همچون خواجهنصرالدین طوسی بود، درگذشت.

قیام سرداران نیز در سال 730 و در قرن هشتم به وقوع پیوست. در اواسط همین قرن بود که تیمور از نوادگان گورکان بر ایلخانات پراکنده و اتابکان ایران چیره شد و آرام آرام بر تمامی سرزمین ایران تسلط یافت. تیمورلنگ اگرچه در روایات بسیار ذکر شده است که اهل علم و ادب بود، لیکن تمامی وقت خود را صرف جنگ و مبارزه کرد و کمتر فرصت یافت تا به هنر و قالیبافی توجه داشته باشد. با این حال شاید یکی از بزرگترین خدمات او به ابناء بشر تربیت فرزندان هنر دوست و هنر پرور بود که تا سالیان سال فرهنگ شرق از آنها در تاریخ به نیکی یاد خواهد کرد.

پس از تیمور، فرزند او شاهرخ به سلطنت رسید. شاهرخ به قالیبافی توجه بسیار نشان داد و دستور داد تا قالیبافی فاخر و گرانبهائی تهیه کند. طرح اکثر این قالیبها شکسته بوده و چنین برمیآید که بافندگان آنان هنوز به استادی نرسیده بودند. با این حال تصاویر این قالیبها اکثرا در مینیاتورهای باقی مانده از آن عهد نقاشی شده است که از مهمترین مستندات جهت اثبات قالیبافی در آن دوره است. از این قالیبها بعدها در کاخ اوزونحسن یکی از نوادگان سلسلهی آق-قره قویونلو استفاده شده است. این قالیبها بسیار ضخیم و سنگین بوده است. شاهرخ و همسرش گوهرشاد خاتون به تربیت فرزندان هنر پرور و ادب دوست همت گماردند، چرا که بنا بر فرهنگ مغولی تربیت و پرورش شاهزاده از هر امری مهمتر است. از ایشان دو فرزند با نامهای بای سنقر و الغ بیگ به یادگار ماند. الغ بیگ خط بسیار نیکویی داشت و قرآن را خطاطی کرد. ضمن اینکه رصد خانه مراغه را نیز همت گمارد. بایسنقر نیز در اعتلای معماری، نقاشی، خطاطی و قالیبافی بسیار کوشید. او استاد خط ثلث بود و کتیبه مسجد گوهرشاد را با کمال استادی شخصا خطاطی کرد. این شاه خلاق و با ایمان به تشویق هنرمندان دوره خود علاقه و اشتیاق خاصی نشان داد.

آورده اند که ثروت افسانه ای تیمور گورکانی توسط فرزندان و نوادگانش در راه اعتلای هنرهای زیبای ایرانی مصروف شد. در دوره تیموریان شهرهای سمرقند، بخارا، شیراز و هرات از مراکز مهم قالیبافی ایران شدند. در این دوره نفوذ فرهنگ چینی در قالیبافی ایران سبب شد تا طرحهای هندسی به صورت طرحهایی با خطوط دوار و منحنی گرایش یافته و نقشمایهایی مانند پیچک و گلها، نخلهای باد بزنی، تودههای ابر، انواع حیوانات و پرندگان افسانهای مانند اژدها، سیمرخ، اهو و... در طرحهای نقش قالی ایران به وجود آید این تغییرات در نقشه، اثر شگرفی نیز بر تکنیکهای بافت گذاشت. دو پودبافی که لزوم بافت نقشهایی گردان است جایگزین تک پودبافی شد. ضخامت دو پودها نیز تغییر کرده و به صورت یک پود ضخیم و یک پود نازک درآمد. با این حال اطلاعات در این زمینه بسیار اندک است، چرا که هیچگونه قطعه بافتی از قرن نهم باقی نمانده است تا بتوان به بررسی ساختار آن پرداخت.

معنود قالیبافی مانده نیز متعلق به او اخر دوره تیموریان است که نقشهایی گردان پیشرفت کرده و الزاما فنون بافت نیز تغییرات خود را پیدا کرده است. پس از دو فرزند شاهرخ میرزا، سلطان حسین باقرا به حکومت رسید او نیز به مانند سایر اجداد خود سرمایه تیمور را صرف اعتلای هنرهای ایرانی ساخت.

در زمان باقرا، بزرگانی همچون بهزاد نقاش، پا به عرصه هنر نهادند. مینیاتورهای بهزاد نقاش در بوستان سعدی و طغفرنامه نیز از دگرگونیهای طرحهای قالی ایران حکایت دارد.

: قالیبافی در دوران هجوم ازبکها و سلسلههای قره قویونلو و آق قویونلو

سلطان حسین باقرا در هجوم ازبکها کشته شد و مجددا مملکت ایران در بسیاری از مناطق دستخوش هرج و مرج و بی ثباتی شد که این مساله بر روی کیفیت و کمیت تولید فرش دستباف بی اثر نبود.

در این میان دو طایفه قره قویونلو(صاحبان گوسفندان سیاه) و آق قویونلو(صاحبان گوسفندان سفید) علیه ازبکها شوریدند و قره قویونلوها توانستند شکستی سنگین بر لشکریان ازبک وارد آورند، لیکن پس از مدتی خود نیز توسط آق قویونلوها و به واسطه حبله و نیرنگ شکست خورده و تار و مار شدند. قره قویونلوها و آق قویونلوها غرب ایران را تصرف کرده و مرکزیت پایتخت خود را نیز تبریز قرار دادند.

در دوره اول یعنی قره قویونلوها اوضاع بیشتر به جنگ گذشت و آنان کمتر فرصت یافتند به فرهنگ و ادب بپردازند. لیکن در دوره دوم یعنی آق قویونلوها وضعیت به گونه دیگری شد. در این دوره در تبریز فرشهای بسیار زیبایی بافته شد. به گونهائی که بسیاری از محققین بر این عقیدهاند که فرشهای بسیار زیبایی اوایل دوره صفویه احتمالا در زمان آق قویونلوها در تبریز بافته شده است.

از این خاندان حکایت کردهاند که در زمان اوزون حسن که گفته میشود مردی روشنفکر از سلسله آق-قویونلوها بوده و پس از دیدار ژوزف بارباروس، سفیر جمهوری ونیز، در سفرنامه خود از زیبایی و کمال قالیبافی موجود در کاخ حکومتی بسیار سخن میگوید و یا آمده است که در تالار داونچی شهر فلورانس ایتالیا صدها پرده نقاشی مربوط به این خاندان دیده میشود که در آنها قالیبها و قالیچههای ایرانی نمایش داده شده است. بیشتر این آثار پردههای مذهبی اند که مقدسین را در اطراف و کلیساهایی که با قالیبهای ایرانی مفروش هستند نشان می دهد. در بسیاری از پردهها که از شاهکارهای نقاشی «روبنس» است تصاویر مقدسین همچون «آرال آرونل» و همسرش و یا «هلن فورمالت» نقش قالیبهای ایرانی به نحو زیبا و پسندیدهائی کشیده شده است. با این حال امروز هیچ گونه اثری از این گونه فرشها وجود ندارد. دوره شکفتگی و عظمت(قالیبافی در عهد صفویان) پس از هفت قرن حکومت بیگانگان، صفویان به پشتوانه تشیع و با همدلی مردم بر ایران تسلط یافتند و دست اجنبی را از این مملکت کوتاه کردند. صفویه پس از حمله اعراب به ایران اولین خاندان ایرانی بودند که حکومت را در اختیار گرفتند. از این رو توانستند تا توجه به همیاری مردم در اعتلا و رشد هر چه بیشتر فرهنگ ایرانیان بکوشند.

سرسلسله این خاندان شاه اسماعیل بود و پس از او فرزنداناش طهماسب و عباس بر ایران حکم راندند. از آنجاییکه در زمان هر یک از این پادشاهان پیشرفتهای گرانی برای هنر قالیبافی ایران بوجود آمده لذا هر یک به طور جداگانه مورد بررسی قرار میگیرد.

قالیبافی در عهد شاه اسماعیل صفوی شاه اسماعیل موسس سلسله صفویه بود. او به ظاهر شیعهائی متعصب بود و این مذهب را به عنوان مذهب ملی ایران معرفی کرد. مردم ایران در آن زمان او را پادشاهی احیا کننده، آزادی بخش و



نگاهی بر تاریخ فرش
پیشینه قالیبافی از دوره تیموریان تا عهد قاجار



احمد دانشگر/ پژوهشگر فرش
راهکارهایی برای نگاهداشت جایگاه رفیع فرش



استاد عبدالله احراری
(ایرانی در جهان 2)



نگاهی به ساختار فرش و قالی در مشهد 2)

Newsletter

Name :

Email :

Submit

Advertising

ثبت نام دوره های آموزشی

با ایمان میشناختند. سه پادشاه اول این سلسله شاهانی بودند لایق و کاردان که دید وسیع و سعه صدر داشتند. در واقع در طول تاریخ به ندرت مشاهده شده که سه پادشاه یکی پس از دیگری از لحاظ داشتن خصوصیات و صفات نیک پادشاهی چنین هم سطح باشند. اولین این پادشاهان، شاه اسماعیل صفوی بود. مدارک و مستنداتِ وجود دارد که شاه اسماعیل صفوی در پایتخت خود، «تبریز» کارگاه‌های قالبیایی تأسیس کرد. البته انوارنژ این مساله را کاملاً رد میکند و معتقد است شاه اسماعیل صفوی وقت خود را صرف تحکیم و یکپارچه ساختن رژیم حکومت خود و مبارزه با ترکها و ازبکها کرد.

با این حال تبریز از دوره غازانخان یکی از ایلخانان مغول به عنوان یکی از پایگاه‌های بافت قالی ایران شناخته شد. لیکن با این وصف «اردمن» تحلیلگر هنر مشرق زمین در برخورد با جایگاه تبریز در بافت کمی محتاط عمل میکند. او معتقد است حمله عثمانیها به این شهر، اشغال آن برای 12 بار و نبود ثبات در این شهر امکان رشد و توسعه قالبیایی را در این شهر محدود میسازد. همچنین زمانی که 14 سال پس از به قدرت رسیدن شاه اسماعیل صفوی برای اولین بار این شهر توسط سلطان سلیم اول فتح شد کلیه صنعتگران آن به استانبول منتقل شدند. از این رو به نظر میرسد تبریز یک مرکز داد و ستد قالی به جای تولید فرش بوده است. لیکن در این میان هستند معنود افرادی همچون نیکلا مانوچی، طبیب حاذق ایتالیایی که مدعی است فرشهای بیشماري در این دوره در تبریز تولید می. گشته است

قالبیایی در عهد شاه طهماسب اول شاه طهماسب پسر شاه اسماعیل صفوی بود. اکثر محققین و تحلیلگران فرش ایران معتقد هستند در زمان حکومت شاه طهماسب هنر قالبیایی به عالیترین مدارج ترقی و پیشرفت نایل شد و شاه عباس پسر او بود که توانست بر پایه‌های مستحکم و قوی این جنبش، نسبت به رساندن نام فرش ایران به حد اعلاي جهانی، کوشش کند. شاه طهماسب سیاستمداري محافظهکار و صلحجو بود. او با ازبکها و ترکهای عثمانی پیمان صلح بست و از این رو توانست بیش از 50 سال حکومت کند. او پایتخت را از تبریز به قزوین انتقال داد تا از گزند حمله ترکهای عثمانی در امان باشد و از آنجاییکه خود فردی هنرمند و علاقمند به قالبیایی بود این شهر نیز در آن زمان به عنوان یکی از پایگاه‌های عمده بافت ایران درآمد.

شاه طهماسب خود دستی در طراحی داشت و گفته شده است که چندین طرح برای قالی تهیه کرده است. او هنر- صنعت فرش باقی را که در پادشاهی های پیشین یک حرفه روستایی و حتی در پارهای از موارد یک هنر عشایری- ایلیاتی بود به شهرها کشاند و به نوعی سبک شهرییاف را پایه نهاد. در زمان او علاوه بر تبریز که در کار بافت شهره خاص و عام شده بود کارگاه‌هایی در قزوین، کاشان، همران، شوشتر و هرات تأسیس کرد. همچنین سه تن از بزرگترین نقاشان و طراحان ایرانی را به امر طراحی قالی واداشت کمال الدین بهزاد، سلطان محمد و میر سید علی طرحها و نقاشیهایی بینظیری را به یادگار گذاشتند که در ادوار بعدی پیوسته مورد استفاده قرار میگرفت. همچنین او در بسیاری از این شهرها کارگاه‌های درباري و سلطنتي را برپا ساخت و در آنها به بافت فرشهای ظریف و بینظیر درباري پرداخت و کلیه این امور سبب گردید تا امروز از برای او سبکی بهنام «مکتب شاه طهماسب» در نظر گرفته شود.

در دوره 50 ساله حکومت او نامهای برجای مانده که از برای سلطان سلیمان عثمانی نگاشته است و طی آن پیشنهاد کرده است که برای مسجد جامع سلیمانیه قالبیایی بافته و بفرستد. او در این نامه از سلطان سلیمان که به عنوان برادر خود از او نام برده است مصرانه خواسته است تا اندازه‌های لازم قالیها را در جواب فراموش نکند. این قالیها در مورد مقرر بافته و فرستاده شدند. سفیر مجارستان در ایران آورده است که در بین این قالی ها چند تخته قالی ابریشمی نیز وجود داشته است.

از جمله طرح‌های مکتب شاه طهماسب میتوان به جایگزینی قالبیای ترنجدار به جای طرح‌های تیموری و معمولی اشاره کرد. علاوه بر این طرح‌ها، نقش شکارگاه که در آن عده‌ای اسب سوار را در حال مسابقه و شکار نشان میدهد نیز مرسوم گردید. در این دوره اقتباس از طرح‌های تذهیب کاران در نقش‌های قالی قوت گرفت. از جمله شاهکارهایی که در عهد شاه طهماسب بافته شده است شاهکاری به نام قالی شیخ صفی الدین یا قالی اردبیل است. این شاهکار با تار و پود ابریشمین و پرز پشمی و در سال 946 هجری قمری بافته شده است. گرّه آن فارسی و در ابعاد ۵34×1152 سانتیمتر تهیه شده است. بافته آن نیز مقصود کاشانی بوده و در همین شهر نیز تهیه گردیده است.

.این فرش امروزه در موزه ویکتوریا و آلبرت انگلستان مورد بازدید هزاران بازدیدکننده قرار میگیرد.

قالبیایی در دوره زمامداری شاه عباس

پس از شاه طهماسب پسر ارشد او شاه عباس بر اریکه سلطنت تکیه میزند. او بر خلاف پدر کلیه صلحنامه را یک به یک لغو کرده و تمامی معترضین و همسایگان مزاحم را خلع ید ساخت. او ابتدا ازبک‌ها را شکست داد سپس در چند جنگ متوالی بر عثمانیها غلبه کرد. شاه عباس پایتخت خود را به اصفهان انتقال داده و در آنجا بزرگترین کارگاه سلطنتی و درباري بافت قالی را پایه نهاد. چه آنکه بسیاری از نویسندگان در زمانهای مکرر به این کارگاه اشاره داشته‌اند که از جمله آنها میتوان به دو سیاح فرانسوی یعنی تاورنیه و شاردن، سر ابرت رابرت شرلی انگلیسی، کشیش و مبلغ مذهب مسیحیت از لهستان و همچنین منشی شاه عباس را که تاریخ مفصل ایران در زمان حکومت او را به رشته حریر در آورده است، اشاره کرد. در کلیه یادداشت‌های این سیاحان و مورخین آمده است که این کارگاه در نزدیکی چهل ستون و میدان نقش جهان احداث گردیده بود.

تاورنیه در این باره می‌گوید: «این کارگاه بطور مداوم مشغول تهیه قالی برای دربار بود» بسیاری از این قالیها علاوه بر مقروض ساختن کاخ‌های سلطنتی جهت هدیه به سلاطین و امرای خارجی به کار میرفت و سبب میشد تا علاوه بر اشتہار نام ایران در این صنعت، اثری نیز از آنها در موزه های سلطنتی خارجی باقی ماند تا امروزه بتوان نسبت به بررسی وضعیت قالبیایی در آن عهد نظر داد. در هر حال شاه عباس نیز به مانند پدر در راه اعتلاي این هنر بسیار کوشید و اونیز مکتبی تحت عنوان «مکتب شاه عباس» برای خود در قالبیایی بر جای گذاشت. در مکتب او قالبیایی با طرح گلدانی، اسلیمی، درخت و باغ (بوته) و سجاده ای طراحی و تولید گشت

در مورد طرح گلدانی، سر ریچارد آرتور پورپ عقیده دارد که از جوشقان میاید و بنیانگذار آن نعمت الله جوشقانی است. از این نوع طرح امروزه فرشی وجود دارد که بر مزار شاه عباس کبیر در قم گسترانده شده است. از مشهورترین فرشهای با طرح‌های گلدانی، فرشی است که امروزه در موزه متروپولیتن نیویورک قرار دارد. از قالی های با طرح اسلیمی امروزه به تعداد انگشتان دست باقی مانده است برخی طرح آن را شاه عباسی نیز میخوانند. از این قالیها در قفقاز و ترکیه عثمانی سالها تقلید گشته و نمونه‌های بسیاری بافته شده است. در مکتب شاه عباس با استفاده از نقش ترنج و تصاویر حیوانات و اشکال درختان و بوته طرح جدیدی پاپیریزی و به آن درخت و بوته گفته شد. بهترین نمونه از این نوع قالی در موزه هنر فیلادلفیا نگهداری میشود که در کردستان بافته شده است نمونه دیگری از آن نیز در متروپولیتن نیویورک وجود دارد. جمله کارشناسان منشا این طرح را غرب ایران و بالخصوص کردستان دانسته رنگ غالب آنها آبی و سرمه‌ای است. دیگر طرح مکتب شاه عباسی طرح باغی است که ابداع آن را به اواخر سلطنت صفویه در کرمان نسبت می‌دهند. این طرح از ابداعاتی است که در طراحی قالی و در اوایل صفویه و در مکتب شاه عباس مرسوم گردید، اقتباس شده است.

معروفترین این فرشها قطعه فرشی است که امروزه در موزه فاک در دانشگاه هاروارد قرار دارد. از طرح قالیچه‌های سجاده‌ای که در زمان شاه عباس بسیار معمول شد امروزه تعدادی چند وجود دارد که یکی از آنها در موزه ایرانپاستان و دیگری موزه متروپولیتن قرار دارد. از جمله فرشهایی که امروزه از آن به عنوان یکی از شاهکار‌های قالی ایران در عهد شاه عباس ذکر میشود قالیهای موسوم به قالیهای لهستانی است.

در بهار سال 1601 میلادی زیگموند سوم فرمانروای لهستان به یک بازرگان ارمنی به نام «موراتوتیس» مأموریت داد تا به ایران سفر کرده و چند تخته فرش برای کاخ های سلطنتی لهستان خریداری نماید. بازرگان نامبرده نیز بافت این فرشها را به بافندگان کاشانی که در آن زمان در بافت فرشهای ابریشمی دارای تجربه و شهرت فراوانی بودند سفارش میدهند. از این فرشها حدود 300 تخته بافته شده است که از آنها 8 قطعه در موزه رزیدنش مونخخ، 4 قطعه در مرقه حضرت علی (ع) در نجف و تعدادی دیگر در قلعه روزنیرگ کپنهاک دانمارک وجود دارد. رنگ غالب این فرشها صورتی، سبز و زرد کم‌رنگ است و یادآور آثار بزرگانی همچون کمال الدین بهزاد، علیرضا عباسی و سلطان محمد نقاش است. قالبیایی پس از شاه عباس تا ظهور نادرشاه صفویه پس از شاه عباس، حکمرانی که علاقمند به فرهنگ و ادب ایران باشند، به خود ندید.

فاصله مرگ شاه عباس تا حمله افغانها یک دوره زوال و هرج و مرج همراه با خوشگذرانی و عیاشی شاهان ایرانی بود. چهار تن پس از شاه عباس بر اریکه سلطنت نشستند لیکن فاقد آن خصوصیات اخلاقی پیشینیان خود بودند. در زمان آنها لشگریان ایران در تمام مرزها شکست خورده و بغداد و تبریز و همدان بدست ترکان فتح شد. جانشینان شاه طهماسب و شاه عباس نتوانستند علاقه‌ای را که اسلاف هنر قالیبافی ابراز میداشتند حفظ کنند و در نتیجه حمایت خود را از طراحان و قالیبافانی که در خدمت شاه عباس بودند دریغ کردند. این استادان بزودی و با نبود حمایت‌ها، یا پراکنده شده و یا دار فانی را وداع گفتند و جدا از این اهم‌نامی نیز به پرورش شاگرد از خود نشان ندادند. لذا قالیبافی اصالت خود را از دست داد و دچار نوعی آشفتگی و بی نظمی شد. بودند قالیباهی نسبتاً نفیسی که در این حد فاصل بافته شده، لیکن امروزه چندان اثری از آنها در ایران وجود ندارد، چرا که تعدادی از آنها در اثر بی‌توجهی پوسیده شده و شماری ازآنها را نیز اروپاییها از ایران خارج کرده و به موزه‌ها و ثروتمندان خارجی فروختند. آخرین زمامدار صفویه، شاه سلطان حسین، نیز به راحتی اصفهان را به افغانها تقدیم کرد

قالیبافی در عهد حکومت سلسله نادریه و زندیه دیر زمانی نپایید که نادرقلی افسری وظیفه شناس از لشگریان شکست خورده ایران جمعی اندک از قشون خود علیه افغانها به پا خاست و آنها را شکست داد و شاه ایران شد. در نوره پر تلاطم حکومت این سرباز خشن توجه زیادی به حرفه قالیبافی نشد. نادر عموماً درجنگ بود و اکثراً در شکارگاه‌ها و صحرا‌ها اتراق میکرد و کمتر روی کاخ و بارگاه به خود میدید. از این رو بافت قالی نیز چندان اقبالی از سوی او نیافت. پس از نادر، کریمخان زند بر ایران حکومت یافت. او مردی مهربان ولی بیسواد بود. مدارکی دال براینکه در زمان او قالیبافی احیا گشت وجود ندارد. کریمخان، پاینخت نادرشاه را که مشهد بود به شیراز منتقل کرد. در این دوره سرجان ملکم مستشار انگلیسی تاریخ مفصل ایران را به رشته تحریر درآورده است. او در یک فصل جداگانه، به صنایع دستی و تجارت هنر ایرانی در اواخر قرن هجدهم میلادی میپردازد. او در مطالب خود از قالی ذکرِی به میان نیاورده است. اگرچه ادواردز ملکم را فردی بسیار دقیق میداند و با صراحت اعلام میکند که حتی درهای امکان ندارد تا او بیبقتی کرده باشد و قالیبافی را از قلم انداخته باشد لیکن مستنداتِی دردست است که در اواخر دوران زندیه نمونه‌های زیبایی از حیث نقّش و بافت در ایران تولید شده است

قالیبافی در دوران قاجاریه

پس از مرگ کریمخان، آقامحمدخان قاجار که فردی خونریز بود به حکومت رسید و حکومت قاجاریه را بنا نهاد. آقامحمدخان اکثر اوقات خود را صرف تثبیت پایه‌های حکومت خود ساخت و کمتر فرصت بافت تا نسبت به هنر و ادب این مملکت توجه کند. چه آنکه حتی اگر فرصت مییافت ذوق این کار را نداشت تا در این زمینه کم‌کی به احیای هنر - صنعت فرش دستباف ایران کند. پس از او فتحعلی شاه قاجار، ناصرالدین شاه قاجار و مظفرالدین شاه قاجار به حکومت رسیدند. دوران حکومت آنها طولانی بود و با آرامش نسبی روبه رو بود. از این رو قالیبافی آرام آرام توانست مجدداً احیا شود. سرجان ملکم در سطور خود از این هنر - صنعت مجدداً نام نبرده است. لیکن سیاحتی که پنجاه سال بعد از ایران بازدید میکنند قالیبافی را یکی از پیشینه‌های مردم ایران می‌نامند. در اواخر دوره قاجاریه اگرچه اوضاع سیاسی کشور مشوش و آشوب زده بود لیکن در این زمان طبقات تازه به دوران رسیده و شاهزادگان درباری فاصله طبقاتی زیادی را با زیردستان خود به وجود آوردند. پول هنگفت آنان سبب شد تا داشتن قالی و قالیچه را در منازل خود وسیله شوکت و جلال بدانند. لذا کم کم خرید و فروش رونق گرفته و تجارت آن آغاز شد. از سوی دیگر سیاحان و کلکسیونر‌های اروپایی به ایران رفت و آمد داشته و سعی در جمع آوری قالیهای بینظیر ایرانی کردند و در نهایت در اواخر قرن گذشته بود که تجارتخانه‌های اروپایی و آمریکایی که در امر فرش فعالیت داشتند جهت تأمین فرش مورد نیاز بازارهای خود، شعباتی را در مراکز قالیبافی ایران تأسیس میکنند. کارگزاران این شرکت‌ها پشهمای رنگ شده را همراه با نقشه‌های مطلوب خود در اختیار بافندگان قرار داده و سفارش بافت فرش را با عقد قراردادهایی به آنها میدادند. ادواردز معتقد است احیای نوین قالیبافی در ایران از سال 1885 آغاز شد. او به کتابی از ای. استیبنگ تحت نام «قالی مقدس مسجد اردبیل» که در سال 1892 در لندن به چاپ رسید اشاره میکند. در این کتاب نویسنده وضعیت قالیبافی را در سال 1877 مورد بررسی قرار میدهد و این چنین میاورد که در آن سال 4 یا 5 طرح بیشتر، در قالیبافی ایران به کار نمی‌رود، لیکن امروزه متجاوز از بیست طرح در تهیه قالیهای ایرانی به کار می‌رود. اردوارنز در ادامه میگوید که به نظر من نویسنده با ایرانیان تماس نداشته و اطلاعات خود را از طریق شرکت زیگلر و شرکای آنها به دست میآورده است و بدون شک در آن سالها زیگلر به تازگی فعالیت خود را در ایران آغاز کرده بود لذا نمیتوان گفته‌های او را مستند فرض کرد. در مورد تاریخچه شرکت زیگلر آمده است که در سال 1875 میلادی تهیه فرآورده‌های صانراتی در اراک (سلطان آباد آن زمان) توسط بازرگانان تبریزی آغاز شد کمتر از ده سال بعد در سال 1883 یک شرکت انگلیسی سونیسیالاصل به نام زیگلر و شرکا از منچستر دفتری در این شهر گشودند این دفتر از منچستر کالاهایی وارد ایران میکرد. مدتی بعد یکی از کارمندان شرکت زیگلر که یک آلمانی به نام اسکار اشتراوس بود پیشنهاد کرد که به جای اینکه شرکت وجوه حاصل از فروش کالاها را خرید سکهای طلا کند و سپس آنها را از طریق روسیه از ایران خارج سازد، قالی خریداری کنند که بتوانند در لندن آنها را به راحتی و مستقیماً به پول تبدیل کنند. از این رو اشتراوس که مردی کارآمد و جسور بود، به سلطاننایب مراجعه کرده و نسبت به دایر کردن رنگرزخانه، استخدام طراحان و ایجاد انبار کالا اقدام کرد. دیری نپایید که حدود 2500 دستگاه قالیبافی تحت نظارت زیگلر قرار گرفت و در کنار این شرکت شرکت‌های بشمار دیگری نیز از اروپا و آمریکا در این منطقه به راه افتاد

از دیگر شرکت‌هایی که در اواخر دوره قاجاریه آغاز به کار کرد برادران کاستلی بودند. در اواخر دوره قاجاریه و در کرمان نخستین شرکت خارجی یعنی «استرن راگ اند تریدینگ کمپانی او نیویورک» دفتر خود را در کرمان گشود. این شرکت بعدها در شرکت «اتوبرندلی» که اولین بازرگانی قالی از کشور‌های خارجی بود، ادغام شد. دیری نپایید که «نیروکاستلی» که متعلق به خانواده متمکن و سرشناس ایتالیایی بود به تجارت قالی ایران علاقمند شد. آنها صاحب یکی از معتبرترین بانک‌های خارجی بودند. از این رو برادر نیر، کوکو سالها قبل در تبریز به عنوان کارگزار بانکی مستقر شده بود. کاستلیها تحت عنوان نیروکاستلی و برادران، در اواخر قرن 19 تجارت خود را در تبریز آغاز کردند. بعدها این شرکت نماینده خود را به کرمان گسیل داشت و پس از آن نیز به کار تجارت در کاشان مشغول شدند و البته در ده سال پایانی سلطنت قاجاریه شرکت‌های معتبر انگلیسی و آمریکایی شعبات خود را در سرتاسر ایران برپا ساختند و نسبت به تجارت قالی در ایران اقدام ورزیدند

Links

اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش دستباف ایران

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

مرکز ملی فرش ایران

شرکت سهامی فرش ایران

سایت اطلاع رسانی فرش ایران

مؤسسه خبریه صنف فرش تهران

اتحادیه صنف فروشندگان فرش دستباف تهران

Quick Access

about/adminn

Instructions

Announcements

E-Learning

Exhibitions

Gallery

Employment

Farsh Magazine

Advertising Costs

Graphic Design & Web Design By Hashei Design Studio